عکس: AP

ضربه به برجام برای شکست روحانی

ضیاء مصباح

این‌روزها هم‌زمان با تبلیغات غیرقانونی انتخاباتی ریاست‌جمهوری که قرار است ثبت‌نام داوطلبان از ۲۲ فروردین با فرصت کافی برای شناخت مردم رأی‌دهنده آغاز شود! کماکان «برجام» که در نوع خود توافقی تاریخی شمرده می‌شود و امکانی برای ایران فراهم کرد تا بتواند دوباره به عرصه بین‌المللی بازگردد، به‌وسیله دلواپسان به‌عنوان ماجرایی بدون دستاورد، مطرح می‌شود.

بدون اغراق باید گفت با این اتفاق اقتصاد ایران، جان تازه‌ای گرفت و رشد اقتصادی نسبتا مناسبی به دست آورد- توانست با دستاوردهایی پیوندهای خود را با اقتصاد جهانی دوباره برقرار کند - که مهم‌ترین و اثرگذارترین خدمت دولت یازدهم به شمار می‌رود.

این مهم حاصل مذاکرات طولانی با هدایت چهره ملی «محمدجواد ظریف» در رأس سیاست خارجی کشورمان است که به تصور فراموشی ملت گرفتار معاش، مجددا در تریبون‌های برخی اصولگرایان -که از اصول دور مانده‌اند- به‌عنوان اقدامی منفی، مطرح می‌شود.

در رابطه با محدودیت‌های به‌جای‌مانده به‌عنوان تحریم‌های غیرهسته‌ای، این جماعت سکوت کرده‌اند اما به‌خوبی می‌دانند به دلیل تفاوت رویکرد ایران و غرب در برخی مسائل شامل نوع دیگری از تحریم‌ها شده که ارتباطی با موضوع هسته‌ای ندارد. تا جایی که در آخرین روزهای سال گذشته آقای روحانی اشاره کرد: «چرا همه چیز را به ملت نمی‌گویید» و همچنین صحبت‌های اخیر که اشاره داشت: «برخی مشکلات در این دولت حل نشده و در چند دولت دیگر هم به طور کامل حل نمی‌شود».

به‌هرحال برای آنکه اهمیت این توافق تاریخی که مخالفان آن بر طبل تهی می‌زنند، درک شود، باید گفت اقتصاد ایران قبل از حصول این توافق و در دوره تحریم‌ها، بر لبه پرتگاه قرار داشت و در حوزه مبادلات بانکی و ارزی، تجارت بین‌الملل، حمل‌ونقل جهانی، بیمه و حتی مراودات عادی دور نگه داشته شده و امنیت ملی ایران نیز هر روز به نحوی در معرض تهدید قرار داشت.

برجام علاوه بر اینکه اقتصاد ایران را به وضعیت نسبی عادی در مناسبات بین‌المللی بازگرداند، امنیت ملی را نیز به صورتی تأمین کرد و در این شرایط با همه ناهماهنگی‌ها، بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و اثرگذارترین شعار و ایده رئیس‌جمهور که اهمیت استراتژیک دارد، عملی شد.

برجام شامل دستاوردهای دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی و احیاگر این حوزه‌ها بوده و تصویر متفاوت و مثبتی از ایران را به جهانیان عرضه کرد.

این توافق اتهاماتی را که به ایران (به تبع برخی اشتباهات رسمی در دوره گذشته) نسبت داده می‌شد، تا حدودی خنثی کرد و درنهایت چهره مثبتی از ایران در صحنه بین‌الملل به نمایش گذاشت.

بعد از حصول برجام بود که دامنه روابط ایران در ابعاد تجاری و سیاسی با بسیاری از کشورها گسترش یافت و متأثر از همین موضوع بود که مراودات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی و پزشکی ایران با کشورهای پیشرفته در این حوزه‌ها از سر گرفته شد.

گذشته از این، در رفت‌وآمد شهروندان ایرانی به دیگر کشورها تسهیلاتی صورت گرفت و یک بار دیگر پاسپورت ایرانی که در گذشته شرایط بهتری داشت اما چندسالی بود که به اعتبار آن خدشه وارد شده بود، اعتبار خود را در سطح جهانی البته نه آنچنان که شایسته مقام والای ایران و ایرانی است، کسب کرد.

در این مقوله به محدودیت‌های ایجادشده به وسیله دولت تازه‌کار و مبتدی آقای ترامپ که با مقاومت قضات آگاه و مستقل مبری از دستورگیری و حافظ قانون اساسی کشورشان، مواجه شد، نمی‌پردازیم که بگذار تا وقت دگر.

تا پیش از برجام، به طور مرتب تهدید به جنگ می‌شدیم، اما این توافق باعث شد سایه جنگ و بحران از سر کشور دور شود.

در واقع، برجام خیال خام گروه‌های جنگ‌طلب خارجی و محاسبات غلط برخی از بحران‌سازان داخلی را به چالش کشید و نشان داد مسائل در سخت‌ترین شرایط، راه‌حل دیپلماتیک از طریق گفت‌وگو خواهد داشت.

برجام در تاریخ سازمان ملل از این نظر که یک کشور وارد فصل هفت منشور این سازمان شد و توانست بدون کمترین منازعه نظامی از آن خارج شود، ماندگار شد.

اهمیت تأمین امنیت برجام برای ایران در این است که در منطقه بحرانی خاورمیانه، ایران به کشوری امن تبدیل شده که بدون مبالغه بر بسیاری امور تأثیر بسزایی دارد.

تأمین امنیت ملی و تصحیح وجهه جهانی ایران که برخی محافل و جریانات در درون ایران، آن را انکار می‌کنند، از دستاوردهای امنیتی و دیپلماسی برجام بود و در واقع زمینه‌ساز دستیابی به نتایج ملموسی شده که کادر اقتصادی کابینه نسبتا متخصص دولت روحانی، به دفعات به آن پرداخته‌اند و به بحران جدی که در انتظار وطنمان بود، پایان داد. فعالیت شرکت‌های کشتی‌رانی از سر گرفته شده که به معنای کاهش درخورتوجه هزینه‌های حمل‌ونقل و بازرگانی خارجی بوده و به واسطه توافق برجام، رتبه ریسک اقتصادی ایران از سوی مؤسسات رتبه‌بندی جهانی ترمیم شد. این موضوع در افزایش مراودات اقتصادی ایران در سطح جهانی بسیار مهم و تأثیرگذار است.

بعد از برجام، ورود شرکت‌های معتبر مشاوره‌ای به ایران افزایش یافته و این شرکت‌ها ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی کشور را مورد مطالعه قرار داده و قواعد مالی و نظام بانکی، قوانین و مقررات تجاری و حتی محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در کشور را بررسی می‌کنند و در واقع زمینه‌ساز ورود سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران هستند.

در این مدت شرکت‌های سرمایه‌گذار معتبر خارجی، مذاکرات جدی با طرف‌های ایرانی انجام داده‌اند که منجر به عقد قراردادهایی مشروط به ادامه اصلاحات اقتصادی منطبق با تعاریف استاندارد نیز شده است.

این موضوع نشان می‌دهد اقتصاد جهانی به اقتصاد ایران اعتماد کرده و تمایل زیاد فعالان اقتصادی برای ورود به اقتصاد ایران را نیز نشان می‌دهد. البته این تازه آغاز راه است.

به تبع اصلاح رتبه ریسک‌پذیری اقتصاد ایران، فعالیت‌های مرتبط با عملیات بانکی کشور، تأمین سرمایه و جذب فاینانس، بیمه و بازار سرمایه هم به طور چشمگیری در صورت ادامه فرصت خدمت دولت فعلی به مدت چهار سال دیگر، بهبود خواهد یافت.

درحال‌حاضر بانک‌های کوچک و متوسط جهانی، مراودات خود را با بانک‌های ایرانی آغاز کرده‌اند و تردیدی نیست که به‌زودی با استمرار روش‌های اصولی، بانک‌های بزرگ و معتبر جهانی نیز به این روند بپیوندند. بی‌تردید با تمایل زیادی که کشورهای توسعه‌یافته مثل کره، ژاپن و اروپاییان برای برقراری مراودات اقتصادی با فعالان اقتصادی در ایران دارند، قدرت چانه‌زنی تولیدکنندگان ما افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که تولیدکنندگان ایرانی این امکان را خواهند یافت تا قیمت محصولات خود را تعیین و در مقابل برای تأمین مواد اولیه خود، چانه‌زنی کنند و حتی هزینه حمل‌ونقل برای فعالان اقتصادی کاهش یابد که خود مزیتی برای تولیدکنندگان ایرانی تلقی می‌شود.

متأسفانه برخی گروه‌هایی که برجام منافع آنها را به خطر انداخته، بعد از حدود یک‌سال‌ونیم همچنان از هیچ‌گونه کارشکنی فروگذار نکرده و برای ضربه‌زدن به دولت آن هم بدون درنظرگرفتن منافع ملی و عرق وطن و نگاه به آینده جامعه رو به تحول، به هر اقدامی دست می‌زنند تا اجازه ندهند برجام به نفع مردم تمام شود.

آنان حتی سعی می‌کنند با مخدوش‌کردن چهره ایران تلاش برای نشان‌دادن ایران به‌عنوان یک کشور جنگ‌طلب، با ایجاد مزاحمت و برهم‌زدن تجمعات، کارشکنی‌ها و اقدامات غیرقانونی علیه سفارتخانه‌های کشورهای دیگر، کاری کنند که سرمایه‌گذاری خارجی محقق نشود و ایران در منطقه با همسایگان خود درگیر شود.

به نظر می‌رسد اقدامات این افراد که به زیان منافع ملی است، در واقع به منظور ضربه‌زدن به برجام صورت می‌گیرد تا در ادامه بحران، منافع غیراصولی آنان برآمده از اغراض باندی و گروهی مخالف پیشرفت و رفاه مردم، تحقق یابد. بر ملت هوشیار و عاقل ایران با بیش از ۲۵ میلیون جوان تحصیل‌کرده، اندیشمند و متفکر حاضر و ناظر حتی در درون روستاها واجب است که در این موقعیت با حمایت از دولت روحانی که این روزها بیش از پیش با حملات گوناگون مواجه است و از صدر تا ذیل جریان خاص، درصدد تضعیف آن بر آمده‌اند، مانع مانور تبلیغاتی چهره‌های فرصت‌طلب در رقابت‌های انتخاباتی شوند. مردم می‌توانند با شرکت گسترده در انتخابات ۲۹ اردیبهشت با همه اما و اگرها، تبلیغات هدف‌دار مخالفان اصلاحات را - مشابه اسفند ۹۴ -خنثی و با انتخاب مشخص خود، تحول تدریجی را با حداقل هزینه برای آیندگان فراهم کنند.

آنچه در این رابطه بیان شد، بیشتر از این منظر است که دولت روحانی نشان داده به‌طور نسبی با مشکلات آشنا و درصدد رفع موانع با همه محدودیت‌ها و دخالت‌هاست.

در این زمینه می‌توان به کنایه‌های رئیس‌جمهور در مقوله ادامه تحریم‌های غیرهسته‌ای که مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی و به‌تبع آن بی‌کاری و انحرافات اجتماعی، توسعه فساد و بیماری‌های عصبی، فراهم‌نشدن فرصت‌های شغلی، کنترل گرانی ارزاق عمومی و خدمات، توفیق در برنامه‌های مختلف اجتماعی، رفع موانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تقویت پول ملی و ثبات قیمت ارز، بهبود کیفیت کالاهای داخلی، محدودیت‌های مسافرت به خارج از کشور و روابط بین‌المللی و بسیاری موارد دیگر شده، اشاره کرد.

همه آنچه به‌طور نمونه بیان شد، با ادامه تحریم‌های غیرهسته‌ای دست به گریبان است و جریانات مخالف، سر خود را همچون کبک زیر برف کرده و مکرر با شعارهای مخالف منافع کشور، به دنبال ایجاد هیجان کاذب هستند. همه باید تلاش کنند این‌گونه گروه‌ها دیگر فرصت جولان و بازی با منافع و سرنوشت یک ملت و میلیون‌ها جوان علاقه‌مند به پیشرفت و توسعه را پیدا نکنند.

دولتِ رفع تحریم‌ها

حجت‌الاسلام فاضل میبدی

در ارزیابی کارنامه دولت یازدهم، ویژگی بارزی در شخص آقای روحانی به‌مثابه یک سیاست‌ورز وجود دارد که برای شخص بنده و آحاد مردم مهم بوده و هست و آن مسئله تعامل با جهان خارج است. ما در بدترین دوران سیاست‌ورزی با جهان قرار داشتیم؛ سیاست‌ورزی دولت نهم و دهم به‌گونه‌ای خطرناک بود که رفته‌رفته ایران داشت به سوی بستن مرزهای فکری و اقتصادی خود با سایر کشورهای جهان پیش می‌رفت. انتخاب آقای روحانی، تلاش مردم برای مقابله با این روند بود. دولت یازدهم روی کار آمد و با رویکرد تفاهم و تعامل با جهان، راه گفت‌وگوی ایران با دنیا را باز کرد تا جایی که به برجام رسیدیم که یک نقطه‌عطف در این حوزه به حساب می‌آید. هرچند امروز عده‌ای از تندروان داخلی و خارجی، جار و جنجال علیه برجام به راه انداخته‌اند اما نباید فراموش کرد که با برجام ما به برداشتن تحریم‌های سازمان ملل رسیدیم که یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین دستاوردهای دیپلماسی جهان است. در حوزه سیاست داخلی هم آمدن روحانی به بازشدن فضای کشور منجر شد. این را به‌عنوان یک فرد سخنران می‌گویم. در دولت نهم و دهم بسته‌بودن فضا باعث شد بسیاری از حرف‌ها را نتوانیم با مردم در میان بگذاریم و جریان فرهنگی یک‌سویه‌ای در کشور به راه افتاده بود اما در این سه سال، فضای بازتر سیاسی که خوشبختانه به اینجا رسید که ما دیگر امروز در فضای آن دوران نباشیم. بالطبع وقتی از کارنامه دولت حرف به میان می‌آید، باید درباره مسائل اقتصادی هم سخن گفت. فعالیت‌های اقتصادی دولت فراوان بوده که شاید ثمره برخی از آنها در دولت یازدهم به بار ننشیند، با این همه انتظار می‌رفت بخشی از تأثیرات آن به کاهش رکود اقتصادی بینجامد که تاکنون محقق نشده است. یکی از تصمیمات دولت برای آنکه در کنار مهار تورم، از رکود اقتصادی بکاهد، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی بود اما سنگ‌اندازی مجلس قبل و - در مواردی- همکاری‌نکردن سایر دستگاه‌ها با نهاد ریاست‌جمهوری مانع از دستیابی به این هدف شد.

به نظر من این پایان کار دولت آقای روحانی نیست و قطعا ایشان در دولت دوازدهم، بسیاری از چالش‌های اقتصادی کشور را برطرف خواهند کرد. تا اردیبهشت ۹۶ آنچه مردم باید مراقب آن باشند این است که بسیاری از سنگ‌اندازی‌های صورت‌گرفته، بحران‌های ایجادشده، کج‌خلقی‌های رسانه‌ای و تبلیغات سوئی که علیه دولت صورت گرفته و می‌گیرد، برای بی‌میل‌کردن آنها از حضور پررنگ پای صندوق‌های رأی است وگرنه در صورت یک بازتاب رسانه‌ای درست و منصفانه از کارنامه دولت، مردم درخواهند یافت که بسیاری از بخش‌های این کارنامه، نمره درخشانی گرفته است.

ادامه از صفحه ۱۰

آرزوهای مشترک با رئیس‌جمهور

حال اینکه رشد جمعیت کشور بسیار پایین و در حد استاندارد بین‌الملل است، رشد پرونده‌های قضائی نیاز به واکاوی دارد، با این رشد جایگاه وکیل کجاست؟ جایگاه قضاوت کجاست؟ وقتی معاون اول و سخنگوی قوه قضائیه حدود دو ماه قبل، از بازداشت چندین قاضی و کارمند دادگستری به جرم رشاء و ارتشاء در کنفرانس خبری خود یاد کردند، این پرسش در سطح جامعه مطرح بود؛ مگر می‌شود در جایگاه قضاوت نشست و فاسد شد؟ رئیس‌جمهور در نشست شصت‌وچهارمین سالگرد استقلال وکلا گفتند، آنچه در جامعه مهم است علاوه بر مسئله امنیت قضائی، احساس امنیت قضائی است و این مسئله گاهی تأثیرگذارتر از خود امنیت قضائی است... امنیت قضائی خواسته‌ای عمومی است اما امنیت شغلی وکلا به باور من از امنیت قضائی مردم باید اهمیت بالاتری داشته باشد. به گفته دکتر روحانی - دفاع جانانه از حق حاصل نمی‌شود مگر آنکه مدافع حق یعنی وکیل، خود امنیت کامل داشته باشد. وکیل، باید بتواند طبق قانون و حقوقی که برای موکلش وجود دارد، بدون کوچک‌ترین ترس و به تعبیر امیرالمؤمنین دفاع از حق بدون کوچک‌ترین تزلزلی در کلام و بیان باشد. وقتی وکیل هم‌وزن قاضی استقلال داشته باشد و به تعبیری قضاوت و دفاع دو بال فرشته عدالت باشند، به گفته دکتر روحانی چطور امکان‌پذیر است که قاضی از قدرت حقوقی و جایگاه خود استفاده کند و من وکیل نتوانم و به گفته مولا امیرالمؤمنین - تزلزل در کلام و بیان - داشته باشم. مصائب و دردهای وکالت و وکیل، مثنوی هفتادمنی است که حل آن در رؤیاهای رئیس‌جمهور حقوق‌دان هم در شصت‌وچهارمین سالگرد استقلال کانون‌های وکلا به دغدغه‌ای عمومی تبدیل شده بود که جامعه وکالت بر این باور است وقتی دکتر محمد مصدق استقلال وکیل را تأسیس و تأمین کرد، در دوره دکتر حسن روحانی حداقل امنیت شغلی وکیل دادگستری که آرزوی وکلا و رئیس‌جمهور حقوق‌دان است، به واقعیت تبدیل شود.

گذر

دستاوردهای ملی برجام

سیدسلمان صفوی: قرارداد برجام قراردادی است مصوبه حاکمیت ایران نه مصوبه آقای روحانی و دولت ایشان. اراده رسیدن به این توافق، اراده ملی حاکمیتی بوده است؛ این نبود که وزیر خارجه ایران یا آقای روحانی مستقل از نهادهای حاکمیت یا مقام معظم رهبری بتوانند چنین قراردادی را با ۵+۱ امضا کنند. این قرارداد هر چه هست، خروجی و دستاورد حاکمیت ایران به عنوان یک کل است. این را باید موافقان و مخالفان این قرارداد همیشه لحاظ کنند و مسائل جناحی را در مسائل ملی دخالت ندهند و منافع ملی را قربانی رقابت‌های جناحی نکنند، تا اعتماد ما به تصمیمات حاکمیت و اعتماد مردم به خرد جمعی حاکمیت افزایش پیدا کند. از سوی دیگر در حوزه اقتصادی حقیقتا گشایش‌هایی شده است، نمی‌توان این گشایش‌ها را انکار کرد. اولا که مقدار تولید نفت ما افزایش پیدا کرده است، مقدار فروش نفت ما افزایش پیدا کرده است. از طرف دیگر در حوزه بانکی مسئله سوییفت تا بخش مهمی برقرار شده است و روابط بانکی ایران با بانک‌های متوسط اروپا برقرار شده و با بانک‌های بزرگ در ترکیه و روسیه و چین اکنون برقرار است. به هر حال دو قرارداد بزرگ ایرباس و بویینگ منعقد شده است. منتقدان بهانه‌جویی می‌کنند که هواپیما یک کالای لوکس است، این یک گونه افراطی نگاه‌کردن به مسائل است، هواپیما یک کالای لوکس نیست، یک کالای ضروری برای جامعه پیشرفته است.

کنکاش

انتظار غیرانتخاباتی مردم از اصلاح‌طلبان

مصطفی ملکوتی

پیروزی غیرمنتظره انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ منتهی به تشکیل جمهوری اسلامی شد. پرواضح است که انقلابیون مدلی برای حکومت بعد از شاه نداشتند. البته پیش از انقلاب درباره اینکه اگر شاه برود، چه سیستمی جایگزین او خواهد شد، در محافل انقلابی گفت‌وگوهایی جریان داشت. در این بحث‌ها جریان چپ و کمونیست‌ها برتری داشتند. به مرور جریانات مذهبی بر پایه ایده‌های افرادی چون دکتر شریعتی توان آن را یافتند که بسیاری از جوانان چپ‌گرا را جذب گروه‌های اسلامی کنند و رفته‌رفته پس از مطرح‌شدن امام خمینی به‌عنوان رهبر مبارزه، قدرت و انسجام جریانات مذهبی افزایش یافت و از این رو پس از پیروزی انقلاب، نام جمهوری اسلامی بر حکومت جدید اطلاق شد. سپس در پیش‌نویس قانون اساسی، موضوعاتی اضافه شد که شخصیت کاریزماتیک امام باعث استقبال عموم از آنها شد و خیال همه از دخالت کمونیست‌ها در حاکمیت راحت شد. در اینجا درصدد نقد قانون اساسی موجود نیستیم که سلسله مباحث دیگری را می‌طلبد اما از جبهه اصلاحات انتظار می‌رود اینک که بیش از ۳۰ سال از عمر جمهوری اسلامی گذشته است، اصلاحات اساسی را که باید این نظام در روند توسعه سیاسی خود طی کند، مشخص کند و برای ایده موردنظر اصلاح‌طلبان پایه‌های تئوریک و حقوقی لازم را تعریف کند تا در فرصت‌هایی که مردم برای تغییر و اصلاح فراهم می‌کنند، گام‌های درستی برداشته شود. بدیهی است اصلاح‌طلبی درون نظام جمهوری اسلامی معنا دارد و نه خارج از آن. البته جمهوری اسلامی در پاکستان پیش از ایران و سپس در عراق و افغانستان نیز ایجاد شد. آنچه از اسلامی‌بودن جمهوری مثلا در پاکستان به ذهن متبادر می‌شود، کشوری است که اکثریت غالب آن مسلمان هستند و نه نظامی بر پایه احکام دین، اما در جمهوری اسلامی ایران ایده اولیه این بوده که بر پایه احکام دین اسلام حرکت شود.

از جبهه اصلاحات انتظار می‌رود با دعوت از حقوق‌دانان، روشنفکران، اندیشمندان و دین‌پژوهان زمینه را برای تدوین تئوری‌هایی که جمهوری اسلامی بر پایه آن بتواند روند اصلاحات بنیادی را پیگیری کند، فراهم کند.

در چند دور گذشته روند انتخابات بیشتر جنبه سلبی داشته است؛ یعنی مردم برای اینکه به شخص یا گروه و تفکری «نه» بگویند به شخص یا گروه ناشناخته یا کمترشناخته‌شده‌ای رأی می‌دهند، مثلا در انتخابات سال گذشته مجلس شورای اسلامی و خبرگان، رأی مردم تهران به لیست امید برای جلوگیری از ورود افراد جبهه مقابل به مجلس خبرگان بود، از این رو انتظاری که از جبهه اصلاحات داریم تغییر این روند است، به‌گونه‌ای که رویکردها و برنامه اصلاح‌طلبان مشخص باشد؛ البته برنامه‌هایی که متکی بر تئوری‌های بنیادی باشد. از مبانی تئوریک که بگذریم رویکردهای اصلاح‌طلبان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باید به روشنی تبیین شود؛ مثلا در بعد سیاست خارجی باید نگاه اصلاح‌طلبان به رابطه با کشورهای مختلف حتما مشخص شود. یا در مورد سیاست‌های داخلی رابطه با برادران اهل سنت و فعالیت‌های سایر اقلیت‌های دینی و قومی حتما باید مد نظر قرار بگیرد. در حوزه اجتماعی برای توسعه نهادهای مدنی چه برنامه‌ای داریم؟ در بخش فرهنگی برای آشتی میان فرهنگ ملی باستانی ایران با گوهر دین اسلام چه طرحی داریم؟ و چگونه می‌خواهیم در این قلمرو در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم؟ و در زمینه اقتصادی چگونه می‌خواهیم منافع اقتصادی خود را با جهان آزاد گره بزنیم و برای جذب سرمایه‌های خارجی چه فکر اساسی‌ای داریم و چگونه این عقب‌ماندگی خود را از کشورهای دیگر جبران خواهیم کرد؟

از اطلاح‌طلبان انتظار می‌رود پاسخ روشنی به این پرسش‌های نسل امروز بدهند. آنچه درباره مطالبات ما از اصلاح‌طلبان ذکر می‌شود شاید در نظر بعضی از اصلاح‌طلبان ناخوش آید و آن را فراتر از توان خود ارزیابی کنند، در این صورت خوب است این ناتوانی را اعلام کنند یا اینکه ظرفیت خود را افزایش دهند. اگر اصلاح‌طلبان می‌خواهند دست‌کم مطالبات فعلی مردم ایران را نمایندگی کنند، باید ظرفیت خود را افزایش دهند. در این صورت لازم است از همه ظرفیت‌های فکری به‌ویژه روشنفکران و نواندیشان دینی استفاده کنند و تحولات اصلاحی را در یک چشم‌انداز درازمدت ببینند و نه در انتخابات پیش‌رو. شاید بهتر باشد شخصیت‌های برجسته اصلاح‌طلب برای همیشه از نامزدی یا تصدی سمت‌های اجرائی دوری گزینند تا تنها حمایتگر جریان عام اصلاح‌طلبی در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی گوناگون باشند و کنش سیاسی خود را به موضع‌گیری‌های انفعالی در برابر رویدادهای ساختگی یا عملکردهای خطاپذیر فرو نکاهند. بدون شک جامعه ما در گذر از سنت به مدرنیته نیاز به مجموعه‌ای از راه‌حل‌های نوین دارد، شوربختانه یا خوشبختانه جریان سنت‌گرای موجود در ایران که متکی به ظرفیت‌های رسمی است، از اینکه بتواند راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکلات ناشی از نزاع بین سنت و مدرنیته بدهد، ناتوان است زیرا راه تفکر انتقادی در جریان سنت‌گرا بسته است و رویکرد ایدئولوژیک آنان به سنت، راه نوزایی را روی آنان بسته است. به‌این‌ترتیب سنت‌گرایان به دست خود، خویش را عقیم کرده‌اند و از ارائه راه‌حل نو نه‌تنها در سنت مذهبی که در سنت‌های اجتماعی و سیاسی نیز عاجز هستند؛ شاید از این منظر این فرصت ویژه‌ای است که در اختیار نواندیشان دینی و اصلاح‌طلبان ایران قرار دارد.

روشن است که سنت‌گرایان طیف وسیعی را شامل می‌شود که از محمدتقی مصباح‌یزدی تا سیدحسین نصر را دربر می‌گیرد، اکنون بخشی از این طیف در ایران نفوذ دارد، این طیف تنها یک قرائت از اسلام را که مطابق فهم اوست، می‌پذیرد. از آنجا که سنت گرایانی هیچ‌گونه تفکر انتقادی را بر نمی‌تابند، در واکنش به این‌گونه برخورد، اصلاح‌طلبان مراقب باشند در نزاع بین سنت‌گرایان بومی و تجددطلبان از مسیر اعتدال خارج نشوند زیرا بدون شناخت سنت و سرشت مذهبی جامعه ایرانی انتظار نمی‌رود به راه‌حل‌های درست و کارآمد دست یابیم. امیدواریم نواندیشان دینی و روشنفکران اصلاح‌طلب از رهگذر توجه متناسب به «سنت» و «مدرنیته» به راه‌حل‌های پویایی برای تشکیل جامعه مدرن آینده ایران دست یابند.